



The Legal Effects of the Merger of Banks and Financial and Credit Institutions Towards a Third Party and the Resulting Civil Liability

Zainab Eslami

Master's degree student in Private Law, Faculty of Humanities, Department of Law, Apadana Higher Education Institute, Shiraz, Iran.

Aida Mokhtare *

Assistant Professor in Law, Faculty of Humanities, Department of Law, Apadana Higher Education Institute, Shiraz, Iran.

Behnam Rastegari

Ph.D. in Law, Faculty of Humanities, Department of Law, Apadana Higher Education Institute, Shiraz, Iran.

Abstract

The present study aims to examine the legal effects of the merger of banks and financial and credit institutions towards the third party and the resulting civil liability. In Iran's legal system, due to several factors, including the prevention of bank bankruptcy, the non-compliance of laws, rules and regulations, and guidelines governing the field of commercial law and monetary and banking law with the current standards in the field of international trade and banking, there are ambiguities and significant legal loopholes regarding bank mergers. Due to the features and advantages that merger has; it can be one of the most effective methods to prevent bankruptcy. The merger of banks is one of the most effective economic mechanisms to save an economic enterprise from financial turmoil and bankruptcy. The current research method is exploratory and analytical in terms of nature and library-based in terms of data collection. This research has been compiled in response to the legal and economic characteristics of the merger of banks and financial institutions compared to other mergers and in order to investigate the imposed merger of banks and financial institutions on third parties. What was deduced as a result of the mentioned discussions is that in terms of commercial regulations, there is no difference between the merger of banks and financial institutions with other economic enterprises; but in terms of competition rules, due to serious financial effects, these mergers must be done under certain conditions, such as the approval of the central bank. Regarding the economic feature, considering the fact that the customers of the banks are very large compared to the commercial companies, and people's deposits from small to large are kept in the banks, it seems that the abuse of them will lead to loss of people's trust, economic downturn, and loss of social stability and order. Therefore, the merger of these groups should be done with more care and supervision. The forced merger of banks and financial institutions will increase the capital and financial credit of the bank accepting the merger, which is considered a strong support for their demand. The impact of such a merger on the debtors of the institution is that they are placed with the bank accepting the merger and are obligated to pay the debt to the bank.

Keywords: merger, banks and financial and credit institutions, bank merger, third party, civil liability

آثار حقوقی ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در قبال شخص ثالث و مسئولیت مدنی ناشی از آن

دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق،
موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

زینب اسلامی

استادیار، حقوق، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق، موسسه آموزش عالی آپادانا،
شیراز، ایران.

آی‌دا مخترع *

دکتری حقوق، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق، موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز،
ایران.

بهنام رستگاری

چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی آثار حقوقی ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در قبال شخص ثالث و مسئولیت مدنی ناشی از آن صورت گرفته است. در نظام حقوقی ایران به واسطه عوامل متعدد از جمله پیشگیری از ورشکستگی بانک‌ها، عدم انطباق قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های حاکم بر حوزه حقوق تجارت و حقوق پولی و بانکی با معیارها و استانداردهای به‌روز جاری و حاکم در عرصه تجارت و بانکداری بین‌المللی، ابهامات و خلأهای قانونی قابل توجهی در خصوص ادغام بانک‌ها وجود دارد. با توجه به ویژگی‌ها و مزایای ادغام، می‌تواند یکی از مؤثرترین روش‌ها برای پیشگیری از ورشکستگی باشد. ادغام بانک‌ها یکی از کارسازترین سازوکارهای اقتصادی به‌منظور نجات بنگاه اقتصادی از شرایط نابسامان مالی و ورشکستگی به شمار می‌رود. روش پژوهش حاضر از منظر چپستی، اکتشافی و تحلیلی و به لحاظ گردآوری، کتابخانه‌ای و در پاسخ به ویژگی حقوقی و اقتصادی ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی نسبت به سایر ادغام‌ها و تأثیر ادغام تحمیلی بانک‌ها و مؤسسات مالی بر اشخاص ثالث تدوین شده است. آنچه به‌عنوان نتیجه از مباحث ذکر شده استنباط گردید، آن است که از نظر مقررات تجارتي، تفاوتی بین ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی با سایر بنگاه‌های اقتصادی وجود ندارد لیکن از نظر قواعد رقابتی به دلیل آثار مالی خطر، این ادغام‌ها بایستی با شرایط خاصی مثل موافقت بانک مرکزی صورت پذیرد. در خصوص ویژگی اقتصادی، با توجه به اینکه مشتریان بانک‌ها نسبت به شرکت‌های تجاری بسیار زیاد بوده و سپرده‌های مردمی از خرد تا کلان در بانک‌ها نگهداری می‌گردد، سوءاستفاده از آن‌ها منجر به سلب اعتماد مردمی، نزول روند اقتصادی دولت و از دست رفتن ثبات و نظم جامعه می‌گردد. به همین جهت باید ادغام این مجموعه‌ها با دقت و نظارت بیشتری صورت گیرد. ادغام تحمیلی بانک‌ها و مؤسسات مالی باعث افزایش سرمایه و اعتبار مالی بانک پذیرنده ادغام خواهد شد که پشتوانه محکمی برای طلب آن‌ها به شمار می‌رود. تأثیر چنین ادغامی بر بدهکاران مؤسسه، طرف قرار دادن آن‌ها با بانک پذیرنده ادغام و الزام آن‌ها به پرداخت دیون به بانک است.

کلیدواژه‌ها: ادغام، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، ادغام بانک‌ها، شخص ثالث، مسئولیت مدنی

مقدمه

بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، نقش مؤثری در اقتصاد کشور دارند. وقتی که بانک‌ها دچار مشکل و بحران می‌شوند، بیم خطر سرعت و تسری این بحران به سایر بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی نیز وجود دارد. در مواقع مشکل و بحران، بانک مرکزی به‌عنوان تنظیم‌گر نهاد پولی کشور وارد عمل می‌شود و راه‌حل‌هایی از جمله ادغام را به این مؤسسات مالی و اعتباری پیشنهاد می‌کند و یا اینکه خود مؤسسات مالی و اعتباری، خواستار ادغام با بانک‌ها هستند. این امر خواسته اصلی آن‌ها نیست اما تحت شرایط زمانی و مکانی موجود، گریزی جز ادغام ندارند (گنجی سرشکی، ۱۳۹۵، ص ۲).

عوامل متعددی باعث تضعیف سیستم بانکی و درنهایت، ورشکستگی بانک‌ها می‌شود که می‌توان به عواملی همچون «وضعیت رکود اقتصادی و تورم، تحریم‌های اقتصادی، فقدان حمایت لازم از تولید، بنگاه‌های تولیدی و اقتصاد مقاومتی، بدهکاران بانکی، ربوی بودن فعالیت بانک‌ها و همچنین، فقدان سیاست‌گذاری هماهنگ میان مسئولان اقتصادی کشور» اشاره کرد. اگر ورشکستگی یک بانک در کشور اعلام شود، اعتماد مردم به سایر بانک‌ها و یا حتی کل نظام بانکی، مخدوش و سلب می‌گردد به دنبال آن، بانک‌ها با افزایش تقاضا جهت دریافت سپرده‌ها روبه‌رو شوند و بسیار محتمل است که قادر به پاسخگویی به این حجم از تقاضا نباشند؛ بنابراین، ورشکستگی یک بانک می‌تواند منجر به ورشکستگی سایر بانک‌ها شود. به‌منظور پیشگیری از ورشکستگی بانک‌ها راهکارهایی منطقی پیش‌بینی شده که به دو دسته راهکارهای غیر حقوقی (مدیریتی و اقتصادی) و حقوقی تقسیم‌بندی شده‌اند. انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه، طرح دعوی مسئولیت مدنی علیه مدیران بانک‌ها، طرح دعوی ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب، از مهم‌ترین راهکارهای حقوقی بوده که مورد استفاده صاحب‌نظران بانکی قرار می‌گیرند (جعفری صامت، ۱۳۹۷، ص ۴۳۸).

ادغام به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارهای جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها در کشورهای مختلف جهان مورد استفاده قرار گرفته است. معمولاً دولت‌ها از طریق بانک مرکزی بر امور پولی و بانکی نظارت می‌کنند و در مواردی که برخی از بانک‌ها در معرض ورشکستگی هستند، ادغام و تشکیل بانک مشترک را در پیش گرفته، دارایی‌های مشکوک را به دولت واگذار کرده و بانک ادغام‌پذیر با دارایی‌های سالم شروع به کار می‌کند. این رویه تاکنون در آمریکا و اروپا عملی شده است (هوشمند و رنجبری، ۱۴۰۰، ص ۱۷).

ادغام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از زوایای گوناگون قابل بحث و بررسی است. عواملی همچون رکود اقتصادی، تورم و تحریم‌های اقتصادی موجب تضعیف سیستم بانکی و درنهایت، ورشکستگی بانک‌ها می‌شود. ورشکستگی یک و یا تعدادی از بانک‌ها می‌تواند باعث اخلال در کل نظام اقتصادی، صنایع و بازار مالی گردد که عواقب اجتماعی، سیاسی و امنیتی در کشور را به دنبال خواهد داشت (ملک، ۱۴۰۱، ص ۹).

بنابراین، ادغام بانک‌ها و مؤسسات با توجه به ضرورتی که دارد، علاوه بر زمینه‌های اقتصادی، از دیدگاه حقوقی نیز مدون و مورد استناد بسیار قرار گرفته است. امروزه، ادغام و کاستن از حجم فعالیت‌ها، نیاز بسیاری از ساختارها و سازمان‌ها است. از سوی دیگر، روش‌های زیادی برای توسعه و رشد بانک‌ها در مطالعات مختلف بیان شده است که از جمله این روش‌ها می‌توان به «رشد از طریق افزایش وام‌ها و سپرده‌ها»، «تصاحب بانک یا بانک‌های دیگر»، «خرید یا تملک دیگر شرکت‌ها یا بنگاه‌ها» و «ادغام با دیگر بانک‌ها یا شرکت‌های دارای کارایی بیشتر» اشاره کرد. با این حال، اغلب بانک‌ها از طریق «ادغام‌ها و تملک‌ها» رشد می‌کنند. عموماً ادغام‌ها هنگامی اعمال می‌شوند که بانک‌ها در تأمین هزینه‌های خود با مشکل مواجه شوند یا اینکه آن‌ها در مقیاسی عمل می‌کنند که از صرفه‌های مقیاس برخوردار نبوده و یا توانایی مدیریتی کمتری دارند. در چنین وضعیتی، بانک‌ها تصمیم به ادغام با بانک‌هایی می‌گیرند که بتوانند این

نواقص را برای آن‌ها پوشش دهند. از این رو، ادغام‌های بانکی در سراسر جهان با هدف برخورداری از «مزایای صرفه‌های مقیاس» و «توان بالای مدیریتی» و «نجات بانک‌ها از ورشکستگی» انجام شده است. به علاوه، ادغام همیشه در زمینه ورشکستگی نخواهد بود بلکه دلیل دیگر ادغام مؤسسات و بانک‌ها، قدرتمندتر کردن آن‌ها است (سادات کنگرانی فراهانی، ۱۳۹۷، ص ۵).

مبحث ادغام بانک‌ها و مؤسسات به دلیل حساسیت خاص، علاوه بر زمینه‌های اقتصادی، از منظر حقوقی نیز مدون و مورد استناد بسیار قرار گرفته است. امروزه، ادغام و کاستن از حجم فعالیت‌ها، نیاز بسیاری از ساختارها و سازمان‌ها است. وجود زیرشاخه‌های فراوان بانکی و مالی، سبب شده تا دست‌اندرکاران به تجمیع‌سازی آن بپردازند. برای دستیابی به نتایجی ملموس ادغام، کلیه مدیران، معاونین و دست‌اندرکاران فعلی بانک سپه (بانک‌های انصار، قوامین، حکمت ایرانیان، مهر اقتصاد و مؤسسه اعتباری کوثر و بانک سپه قبلی) که ادغام در مورد آن‌ها صورت گرفته، انتخاب شده‌اند (زارعی و مدنی، ۱۴۰۰، ص ۶).

تجمیع بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری منجر به کار واحد و کوچک‌تر شدن سیستم بانکی می‌شود که تأثیرگذاری بیشتری در سرمایه‌گذاری و گردش منابع مالی دارد زیرا هزینه مدیریت نظام بانکی در این بستر با ادغام بانک‌ها و آزاد شدن دارایی‌های مازاد کاهش یافته و رقابت را به مشارکت و همکاری تبدیل خواهد کرد. با وجود این باید توجه داشت که چالش‌هایی نظیر تعداد شعب بالا، ساماندهی کارمندان، بلا تکلیفی سهامداران و سردرگمی سپرده‌گذاران و عدم شفافیت صورت‌های مالی این بانک‌ها از مواردی است که ممکن است در نگاه اول توجه زیادی به آن نشود اما در مقام اجرا می‌تواند دشواری‌ها و پیچیدگی‌هایی را در این فرایند ایجاد کند (معتضد، ۱۴۰۰، ص ۵).

بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال بررسی آثار حقوقی ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در قبال شخص ثالث و مسئولیت مدنی ناشی از آن است.

«... ادغام بانک‌ها یکی از روش‌های بازسازی ساختارهای بانکی و نهادهای مالی است. علاوه بر این، به دلیل اینکه بانک‌ها در همه کشورها از طریق اعطای وام و پذیرش سپرده‌ها، نقش مهمی در تأمین منابع مالی و ارائه خدمات مالی در اقتصاد دارند، همواره کارایی بانک‌ها یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که توجه زیادی را به خود مبذول داشته است...». در نتیجه، در بعضی موارد، ادغام‌ها رایج‌ترین روش افزایش کارایی نهادهای مالی نیز به شمار می‌روند (سادات کنگرانی فراهانی، ۱۳۹۷، ص ۱).

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی نگارنده، مطالعات پراکنده‌ای در زمینه ادغام دیده شد که در ادامه مختصراً به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- محبوبه روستایی در پایان‌نامه خود تحت عنوان «تأثیر ادغام بانکی بر اندازه رقابت در بازار متشکل پولی ایران» در سال ۱۳۹۶ نشان داد که سناریوی ادغام مبتنی بر ریسک عملیاتی، کمترین اثر منفی را بر اندازه رقابت داشته است و سناریوی ادغام مبتنی بر ریسک اعتباری، بیشترین اثر منفی را بر اندازه رقابت دارد.

۲- امید گنجی سرشکی در پایان‌نامه خود تحت عنوان «جنبه‌های حقوقی ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری» در سال ۱۳۹۵ بیان می‌دارد: بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری نقش کلیدی در اقتصاد کشور ما دارند. هنگامی که آن‌ها دچار بحران می‌شوند، خطر تسری این بحران به سایر بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی دیگر نیز می‌رود.

۳- سید فتح حسینی در پایان‌نامه خود تحت عنوان «ادغام شرکت‌های تجاری» در سال ۱۳۹۴ بیان می‌دارد: ادغام، یک عمل حقوقی بوده که بر اساس آن، دو یا چند شرکت ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد جدیدی به خود می‌گیرند. به بیان دیگر، یک یا چند شرکت با محو شخصیت حقوقی خود در شرکت دیگر جذب می‌شوند. ادغام موجب انحلال بدون تصفیه می‌گردد.

۴- شاهرخ گودرزپور، در پژوهش خود با موضوع «ادغام شرکت‌های تجاری در حقوق ایران و فرانسه» در سال ۱۳۹۶ توضیح می‌دهد: تأثیر ادغام در مورد شرکت‌های ادغام‌شونده، نوعی انحلال و در رابطه با شرکت ادغام‌کننده، تغییر سرمایه و در نتیجه، افزایش آن خواهد بود. تأثیر ادغام در حقوق فرانسه در شرکت ادغام‌شونده بیش از شرکت ادغام‌کننده است و می‌تواند این تأثیر بیشتر منفی باشد تا مثبت، چراکه سهامداران و اشخاص وابسته به شرکت ادغام‌شونده را با چالشی جدید روبه‌رو می‌کند.

۵- ابوالفضل غلامی در پژوهش خود با عنوان «ادغام شرکت‌های تجاری در حقوق ایران با تأکید بر حقوق رقابت» در سال ۱۳۹۲ بیان می‌کند: ادغام یکی از راهکارهای افزایش توان مالی و رقابتی شرکت‌های تجاری بوده که در مواقعی جهت خروج از شرایط نابسامان مالی شرکت‌ها نیز به کار گرفته می‌شود.

روش پژوهش

مطالعه حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر روش، در زمره تحقیقات توصیفی-تحلیلی قرار دارد که بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای بوده و جهت جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن‌ها صورت گرفته است. همچنین، با مراجعه به پایگاه‌های اسنادی معتبر نظیر Sid، نورمگز، ایران‌داک، پایگاه حوزه نت و غیره، مقالات پژوهشی مشابه مورد بازبینی و در صورت لزوم استفاده می‌شود. در این پژوهش تلاش می‌گردد از منابع حقوقی، حقوق بانکی و نقل‌قول‌های معتبر با استفاده از اصول علمی و منطقی به توصیف و تبیین مفاهیم مربوط به «آثار حقوقی ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در قبال شخص ثالث و مسئولیت مدنی ناشی از آن» پرداخته شود. سپس، شاخصه‌های آن، استخراج و از آن‌ها فیش‌برداری شود. پس از آن، با مطالعه سایر منابع در حیطه مباحث حقوق بانکی، ضمن بررسی صورت‌مسئله، به بررسی و تجزیه و تحلیل سؤالات تحقیق پرداخته شده و سعی گردد پاسخی صحیح و مستند برای هر کدام از آن‌ها بیان شود. در پایان، راهکارهای علمی و عملی مناسب ارائه می‌شود.

کارکرد مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌ها در ادغام تحمیلی

مؤسسات اعتباری غیر بانکی به‌عنوان مکمل بانک‌ها، نقش مؤثری در پویایی بازار مالی دارند. مؤسسه اعتباری، مؤسسه‌ای است که از طریق جذب سپرده‌های مجاز بانکی (به‌استثناء سپرده قرض‌الحسنه جاری)، اخذ تسهیلات و استفاده از سایر ابزارهای مالی، مبادرت به تجهیز منابع نموده و این منابع را به اعطای تسهیلات اعتباری اختصاص داده و یا به هر نحو دیگری به تشخیص بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، واسطه بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان منابع مالی خواهد بود (مسعودی، ۱۳۹۳: ۳۲). بیشتر مؤسسات اعتباری، برخلاف بانک‌های خصوصی و دولتی، پیش از قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی مصوب سال ۱۳۸۳ و با اخذ مجوز از سایر نهادها مانند وزارت تعاون، کشور، نیروی انتظامی و غیره، ایجاد شده‌اند. در حال حاضر، اشتغال به عملیات بانکی توسط اشخاص حقیقی و یا حقوقی تحت هر عنوان و تأسیس و ثبت هرگونه تشکل برای انجام عملیات بانکی، بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع است. بانک نیز یک نهاد اقتصادی بوده که وظیفه‌هایی چون تجهیز و توزیع اعتبارات، عملیات اعتباری، عملیات مالی، خرید و فروش ارز، نقل و انتقال وجوه، وصول مطالبات اسنادی و سود سهام مشتریان، پرداخت بدهی مشتریان، قبول امانات،

نگهداری سهام و اوراق بهادار و اشیاء قیمتی مشتریان، انجام وظیفه قیومیت و وصایت برای مشتریان، انجام وکالت خرید یا فروش را بر عهده دارد (عرفانی و جعفری، ۱۳۹۴، ص ۴). توجه به این مسئله لازم است که کارکردهای مؤسسات مالی و اعتباری و همچنین بانک‌ها، نقشی حیاتی در اقتصاد کشور دارند.

جایگاه مؤسسات مالی و اعتباری

تجربه چند دهه اخیر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، خود بهترین مؤید نقش بازارهای مالی متشکل، کارآمد و پویا در تشکیل سرمایه و رشد اقتصادی است. مؤسسه مالی، یک بنگاه تجاری بوده که دارایی‌های اصلی آن، دارایی‌های مالی یا تعهداتی نظیر اوراق سهام، اوراق قرضه و وام‌ها است. به طور کلی، مؤسسات چهار وظیفه اصلی را در اقتصاد کشور بر عهده دارند (مسعودی، ۱۳۹۳، ص ۳۴):

۱. فراهم‌سازی سیستم پرداخت‌ها در اقتصاد
 ۲. تجهیز منابع مالی در قالب جذب سپرده‌ها، انتشار اوراق مالی و سایر انواع بدهی
 ۳. تخصیص منابع در قالب انواع دارایی‌های اعتباری
 ۴. مدیریت انواع ریسک‌ها از طریق مدیریت انواع دارایی و بدهی
- مؤسسات مالی و اعتباری به عنوان یک نهاد مالی غیر بانکی، مؤسساتی هستند که به عنوان واسطه و جوه در بازارهای مالی به فعالیت می‌پردازند. خدمات آن‌ها در بسیاری از زمینه‌ها مشابه خدمات ارائه شده توسط بانک‌ها است. باین حال، نوع خدمات، درجه آزادی و گستردگی فعالیت آن‌ها در تمام کشورها یکسان نبوده و تابع شرایط و قوانین خاص هر کشور است (همتی، ۱۳۸۷، ص ۵).
- امروزه، مؤسسات مالی غیر بانکی، جزء لاینفک ساختار مالی اکثر قریب به اتفاق کشورهای دنیا هستند (عرفانی و جعفری، ۱۳۹۴، ص ۵).

مؤسسات اعتباری غیر بانکی، برخلاف بانک‌ها، دسترسی به جوه بانک مرکزی ندارند. در نظام پرداخت‌ها نیز اغلب مؤسسات اعتباری غیر بانکی، دسترسی مستقیمی به نظام تسویه نداشته و نمی‌توانند بدون واسطه بانک‌ها، در نظام پرداخت عضویت داشته باشند. در تعریف مؤسسات اعتباری گفته شده است که: «... مؤسسات اعتباری شامل بانک‌ها، مؤسسات اعتباری غیر بانکی، تعاونی‌های اعتبار، شرکت‌های لیزینگ، صرافی‌ها و غیره هستند که مجوز تأسیس و فعالیت آن‌ها توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صادر شده و تحت نظارت آن بانک قرار دارند...» (مسعودی، ۱۳۹۳، ص ۳۵).

بنابراین، بانک‌ها جزئی از مؤسسات اعتباری و مؤسسات اعتباری غیر بانکی نیز جزئی دیگر از مؤسسات اعتباری را تشکیل می‌دهند از این جهت، مرزبندی اولیه بین بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی مشخص می‌گردد؛ همچنان که در ماده ۳۰ قانون پولی و بانکی اشاره شده: «... تأسیس بانک ... و استفاده از نام بانک در عنوان مؤسسه اعتباری فقط بر طبق قانون امکان‌پذیر است...». بدین ترتیب، یک تفاوت عمده و اصلی میان بانک و سایر مؤسسات اعتباری غیر بانکی، وجود نام بانک و استفاده از این عنوان در امور بانکی است در حالی که مؤسسات اعتباری غیر بانکی، مؤسساتی هستند که در نام خود و امور راجع به خود از نام بانک استفاده نمی‌کنند. از دیگر تفاوت‌های مؤسسات مالی و اعتباری با بانک‌ها، عدم رعایت مقررات کمیته بازل برای مؤسسات مالی و اعتباری است. این امر در حالی است که رعایت این مقررات برای بانک‌ها الزامی است. ضمناً اساسنامه بانک‌ها می‌بایست به تصویب شورای پول و اعتبار برسد در صورتی که

۱. به بند ۲ ماده ۱ «دستورالعمل بازرسی مالی و عملیاتی و اخذ اطلاعات از مؤسسات اعتباری» مصوب جلسه ۱۱۱۸ شورای پول و اعتبار به تاریخ ۱۳۸۹/۹/۲۷ ارجوع شود.

این الزام برای مؤسسات اعتباری وجود ندارد. همچنین، مؤسسات مالی و اعتباری غیر بانکی، مجوز خلق پول را بالعکس بانک‌ها ندارند.

جایگاه بانک‌ها

بانک، نهادی اقتصادی است که وظیفه‌هایی چون تجهیز و توزیع اعتبارات، عملیات اعتباری، عملیات مالی، خرید و فروش ارز، نقل و انتقال وجوه، وصول مطالبات اسنادی و سود سهام مشتریان، پرداخت بدهی مشتریان، قبول امانات، نگهداری سهام و اوراق بهادار و اشیاء قیمتی مشتریان، انجام وظیفه قیومیت و وصایت برای مشتریان و انجام وکالت خرید یا فروش را بر عهده دارد. همچنین، بانک یک مؤسسه تجاری است که به فعالیت‌های زیر می‌پردازد: تولید پول، پرداخت تسهیلات، تجهیز منابع (سپرده‌گذاری)، تخصیص منابع (اعطای تسهیلات و وام)، واسطه‌گری مالی و پولی (عرفانی و جعفری، ۱۳۹۴، ص ۶).

به‌طور کلی، در نظام بانکی جهانی، بانک‌ها دو کارکرد مشخص دارند؛ در کارکرد اول، بانک به‌عنوان یک بنگاه یا شرکت که در بازار پولی فعالیت می‌کند، شناخته می‌شود (ویلیام، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵).

ادغام بانک‌ها

در خصوص ادغام نیز در حقوق ایران طبق قانون تعاونی مصوب ۱۳۵۰، ادغام شرکت‌های تعاونی پیش‌بینی شده بود که بر اساس این قانون، چندین شرکت تعاونی نیز با یکدیگر ادغام شده‌اند. موضوع ادغام شرکت‌های تجاری در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ پیش‌بینی نشده است ولی در قوانین برنامه پنج‌ساله سوم و چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ادغام و تجزیه شرکت‌های دولتی به رسمیت شناخته شده است. طبق ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ادغام شرکت‌های تجاری تعریف شده و به انواع ادغام ساده و مرکب نیز اشاره شده است. البته، مقررات تفصیلی در خصوص ادغام در لایحه جدید قانون تجارت پیش‌بینی شده است. لایحه جدید قانون تجارت در ۱۲۶۱ ماده در سال ۱۳۹۰ در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، تصویب و در جلسه علنی ۱۳۹۱/۱/۲۳ برای مدت ۵ سال به‌صورت آزمایشی تصویب گردید و به شورای نگهبان ارسال شد اما شورای نگهبان این لایحه را مخالف با اصل ۸۵ قانون اساسی ذکر کرد و این لایحه به مجلس بازگشت. در حال حاضر، این لایحه در ۱۲۰۸ ماده نهایی شده و در مجمع تشخیص مصلحت نظام در حال بررسی است. لذا، با توجه به پراکنده بودن قوانین و قدیمی بودن آن‌ها و با توجه به اینکه اساساً قانون پولی و بانکی متأخر از قانون تجارت به تصویب رسیده، تئوری واحد و منسجمی برای تدوین احکام ورشکستگی بانک‌ها و ادغام آن‌ها وجود ندارد بلکه نظام حقوقی ایران، به دلیل تشتت منابع با تشتت و رد تعارض احکام حقوقی مواجه بوده و نیاز مبرم به تئوری و نظریه خاصی در خصوص نظام ورشکستگی بانک‌ها و ادغام وجود دارد (هوشمند و رنجبری، ۱۴۰۰، ص ۵۰).

جمع‌بندی اینکه از لحاظ قوانین و مقررات حقوقی موضوع ورشکستگی و ادغام شرکت‌های تجاری از جمله بانک‌ها تحت شرایط مقرر در قانون صحیح بوده و از لحاظ قانونی هیچ اشکالی ندارد که بانکی با توجه به شرایط مقرر قانونی ورشکسته اعلام شده و با در نظر گرفتن نقش نظارتی و حاکمیتی بانک مرکزی، در بانک دیگری که شرایط مالی بهتری دارد، ادغام شود.

مزایای ادغام بانکها

در ادغام بانکها شرایطی به وجود می‌آید که دو یا چند کسب‌وکار زیر یک چتر و تحت کنترل مؤثر مشابه قرار می‌گیرند و همانند اعضاء یک گروه اداره می‌شوند. مدیران عالی بانکها اهداف متعددی را از ادغام دنبال می‌کنند که بیشترین آنها نیز اهداف اقتصادی هستند. مهم‌ترین این اهداف عبارت‌اند از افزایش سهام و ثروت سهامداران، افزایش سهم بازار، کسب قدرت بازار، بین‌المللی شدن بانکها، مزایای مالیاتی، کاهش رقابت و هزینه‌های مالی (عرفانی و جعفری، ۱۳۹۴، ص ۲۳).

توجه ادغام بانکها نیز به این صورت است که بانکهای ایرانی کوچک هستند و برای اینکه در بازارهای پولی رقابت کرده و در جامعه ایران نیز بتوانند به‌خوبی کار کنند، باید بزرگ باشند. چرا برجام دستاوردهای خوبی نداشت؟ یکی از دلایل اصلی این است که بانکهای طرف ایران، بانکهای کوچکی بوده و تراز لازم را برای پرداخت وام به ایران نداشتند (معتضد، ۱۴۰۰، ص ۱۴).

یکی از مهم‌ترین فواید ادغام بانکها، مزایای مالیاتی است. اغلب اوقات، مالیات بر درآمد بانکها، انگیزه اساسی برای ادغام به شمار می‌رود. ادغام بانکی با زیان انباشته فراوان و قابل استهلاک که آن را از گذشته به آینده منتقل می‌سازد، در بانکی دیگر که سودآوری کافی دارد، بسیار مساعد است. بدین وسیله اطمینان حاصل می‌شود که مزایا و منافع مالیاتی آن به علت درآمدهای ناکافی پایان نمی‌پذیرد. به بیان دیگر، بانکی که سودآوری بسیار بالایی دارد و مشمول نرخ‌های بالای مالیاتی است، شرکتی را که زیان‌های انباشته قابل استهلاک از درآمدهای آینده دارد، تملک می‌کند. به این وسیله، زیان‌های مذکور به‌عنوان پناهگاه و حفاظ درآمدی شرکت تملک‌کننده یا شرکت تصاحب‌کننده مورد استفاده قرار می‌گیرد (ملک، ۱۴۰۱، ص ۲۴).

معایب ادغام شرکت‌های تجاری از جمله بانکها

ادغام بنگاه‌ها در کشورهای صنعتی پیشرفته در بازارهای جهانی امروز که غالباً زیر نظر سازمان‌هایی چون سازمان تجارت جهانی عمل می‌کنند، توان رقابت را از بنگاه‌های کشورهای در حال توسعه خواهند گرفت. صرف نظر از کشورهای تازه صنعتی شده مثل هند، چین و برزیل، اکثر کشورهای کم توسعه یافته نمی‌توانند جلوی اقدامات ضد رقابتی شرکت‌های بزرگ را که در این کشورها، شرکت‌های فرعی تأسیس کرده‌اند، بگیرند.

۱- تأثیر مخرب بر ساختار رقابتی بازار پولی و بانکی

اولین نکته‌ای که به ذهن می‌رسد، این است که بانکها به این دلیل علاقه‌مند به ادغام هستند که قدرت بازاری خود را افزایش دهند. در ادغام‌های عمودی که به‌ویژه در آمریکا در طی قرن اخیر روی داده است، میل به دستیابی به قدرت بازار، مهم‌ترین نقش را ایفاء کرده است. در طی سال‌های ۱۸۸۷ تا ۱۹۰۴، ادغام‌هایی که به وقوع می‌پیوست، با هدف تسلط بر بازار و منحصربه‌فرد شدن در بازار بود. آن‌ها در تلاش بودند موقعیت‌ها را در بازار محدود نموده و سرانجام با کنترل قیمت در بازار، شرایط در بازار را مرتباً تغییر دهند (معتضد، ۱۴۰۰، ص ۱۵).

۲- تأثیرات مخرب غیررقابتی بر بازار پولی و بانکی

ادغام‌ها سبب نگرانی‌های دیگری نیز می‌شوند که از مسائل مربوط به حقوق رقابت خارج است. به عبارت دیگر، ممکن است ربطی به اقتصاد و بازار نداشته باشد بلکه تأثیرات سیاسی و اجتماعی را بر جامعه‌ای می‌گذارد که انحصارگران اقتصادی، سودای استثمار مصرف‌کننده را دارند. برخی اندیشمندان باور دارند که ادغام و تمرکز، اگر منجر به انحصار

در بازار شود، بر آزادی جامعه نیز تأثیر مخرب خواهد گذاشت. تمرکز اقتصادی بیش از اندازه، ضد موازن مردم‌سالاری است و آزادی‌های فردی را محدود می‌کند. رقابت، یکی از اصول حیاتی جوامع آزاد است. اگر درصدد حفظ مردم‌سالاری هستیم، باید ضد تمرکز صنعتی و نتایج مضر آن تلاش و حرکت کنیم (زارعی و مدنی، ۱۴۰۰، ص ۶۵). قدرت خصوصی می‌تواند مرزهای اقتصادی را درنوردد و تبدیل به تهدیدی فراتر از بازار شود به طوری که قواعد بازی را به دلخواه و مطابق اراده شرکت‌های حاکم تغییر دهد. در چنین وضعیتی، اگر روابط بین بانک‌ها و محیط فرهنگی-اقتصادی، ترکیبی از موافقت‌های وابسته به بازار و نیرو وابسته به آن شود، قدرت بازاری پراکنده می‌شود؛ حتی اگر این وضعیت متضمن کاهش درآمدی اقتصادی شود. از آنجا که انتخاب‌ها لزوماً غیرمنطقی نیست، قیمت‌ها ممکن است توسط جامعه یا با امتیازهای سیاسی، غیرواقعی شوند. قواعد رقابت، اعتلای رقابت از طریق حمایت از مشاغل و تجارت‌های محلی خرد و پایدار است. اگرچه این کار اتفاقاً منجر به افزایش قیمت‌ها شود لیکن این موضوع در نظام غیرمتمرکز با ارزش‌تر است.

۳- دخالت نیروی خارجی در بخش‌های پولی و بانکی

برخی معتقد هستند در بخش‌های حساس و خاص مانند نظام پولی و بانکی کشور باید نظارت سخت‌گیرانه‌ای بر ادغام‌ها اعمال شود. در این قیمت‌ها باید عوامل و مسائل بیشتری را در تعیین اینکه آیا ادغام بر جامعه تأثیرگذار است یا خیر، به دست آورد (هوشمند و رنجبری، ۱۴۰۰، ص ۱۹). برای مثال، نیاز جامعه به مردم‌سالاری محتاج به این است که از گسترش رسانه‌ها یا امنیت ملی حمایت شود. در نتیجه، این موارد یا نمونه‌های دیگری مانند مالکیت صنایع خاصی چون نفت یا نیروهای نظامی، نباید به بیگانگان سپرده شوند.

۴- بیکاری

ادغام‌ها ممکن است به خرید بانک‌ها به قیمت پایین و فروش سریع لوازم و دارایی‌های آن‌ها جهت رسیدن به سود سریع‌الوصول منجر شود؛ همچنین، سود سهامداران پایین آید، کارگرانی از کار بیکار شده و تعدادی از مشاغل از دست برود. ادغام‌ها در مناطقی که ناامیدی به فعالیت اقتصادی زیاد می‌شود یا در جایی که بیکاری زیاد است، می‌تواند نگرانی بیشتری را باعث شود. موضوعات فوق‌الذکر، مزایا و معایب ادغام بانک‌ها بود.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا ادغام بانک‌ها در پیشگیری از ورشکستگی بانک‌ها مؤثر خواهد بود؟ باید گفت، بله. ادغام یکی از عوامل پیشگیری از ورشکستگی بانک‌ها به شمار می‌رود زیرا ادغام می‌تواند به عنوان یک راه علاج برای بانک‌هایی که خود را در معرض نابودی و ورشکستگی اجتناب‌ناپذیر می‌بینند، تلقی شود. لذا، در چنین مواردی بانک با ادغام در بانک دیگر از دارایی‌های خود حمایت می‌کند و سهامداران، مالکین، کارمندان و کارگران نیز از عواقب ضعف آن بنگاه که می‌رفت رو به پایان نهد، در امان می‌مانند.

تأثیر ادغام بانک‌ها در اعتلای فضای کسب‌وکار

ادغام بانک‌ها یکی از روش‌های بازسازی ساختارهای بانکی و نهادهای مالی است. علاوه بر این، چون در همه کشورها بانک‌ها از طریق اعطای وام‌ها و پذیرش سپرده‌ها نقش مهمی در تأمین منابع مالی و ارائه خدمات مالی در اقتصاد دارند، همواره کارایی بانک‌ها یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که توجه زیادی را به خود مبذول داشته است. در نتیجه، در بعضی موارد، ادغام‌ها رایج‌ترین روش افزایش کارایی نهادهای مالی نیز به شمار می‌رود.

آثار مثبت و منفی ادغام

آثار مثبت و منفی بر ادغام مترتب است. مزایای ادغام بیشتر برای شرکت‌هایی است که ادغام می‌شوند و از توقف آن‌ها جلوگیری می‌گردد. البته مزیت افزایش سرمایه برای شرکت پذیرنده ادغام نیز دور از ذهن نیست. در کنار این مزایا، معایبی نیز همچون بسیاری از عملکردهای حقوقی بر ادغام پیش‌بینی می‌شود؛ مانند از بین رفتن حقوق اشخاص ثالث یا حتی سهامداران شرکت ادغام شونده و غیره.

۱- آثار مثبت ادغام

ادغام، یکی از روش‌های توسعه، گسترش دامنه نفوذ و ایجاد توان انجام عملیات بزرگ در صحنه بین‌الملل برای مؤسسات اقتصادی و بانک‌ها است. در صورتی که ادغام به شکل صحیح انجام شود، می‌تواند نتایج مالی و غیرمالی قابل توجهی به همراه داشته باشد. معمولاً ادغام‌ها هنگامی اعمال می‌شوند که بانک‌ها در تأمین هزینه‌های خود با مشکل مواجه باشند یا اینکه در اندازه‌ای عمل کنند که از صرفه مقیاس برخوردار نباشند و یا از توانایی‌های مدیریت کمتری بهره‌مند هستند. از مزایا و اثرات مثبت ادغام می‌توان به بهبود سلامت مالی، ارائه خدمات بهتر به مشتری، بهبود فرهنگ سازمانی، بهبود عملیات تجاری، دانش‌افزایی، افزایش سرمایه، تسهیل حضور و نقش‌آفرینی در عرصه فعالیت‌های داخلی و بین‌الملل و خروج از بحران‌های مالی اشاره کرد.

۲- آثار منفی ادغام

ادغام مؤسسات اقتصادی و بانک‌ها ممکن است به‌رغم فرصت‌هایی که برای شرکت‌ها فراهم می‌آورد، همواره تهدیداتی نیز برای شرکت‌ها به همراه آورد، از جمله مقاومت در برابر ادغام از سوی کارکنان، وجود تضادهایی در سبک مدیریت، عدم تطابق با فرهنگ‌های سازمانی، مشکلات در ترکیب و یکپارچه‌سازی فرآیند عملیات مؤسسات مختلف، برآورد نادرست بازدهی ادغام و عدم برآورد صحیح از ریسک‌های حاصل از ادغام، تغییرات ناگهانی و پیش‌بینی نشده در شرایط بازار، خروج کارکنان کلیدی از مؤسسات و بانک‌ها، از دست دادن مشتریان و سهامداران قبلی و درنهایت، ناسازگاری تکنولوژیکی بانک‌ها و مؤسسات اقتصادی، مخصوصاً تفاوت در شعبه مرکزی.

ادغام می‌تواند این پیامد را به دنبال داشته باشد که اعتماد تأمین‌کنندگان آن‌ها از بین رفته و حمایت مادی و معنوی خود را از مؤسسه یا بانک جدید بردارند. در مورد بانک‌ها، ابتدا لازم است موافقت اصولی بانک مرکزی در مورد ادغام اخذ شده و سپس، موضوع در مجامع عمومی بانک‌های ادغامی مورد موافقت قرار گیرد تا موجب سلب اعتماد بیشتر آن‌ها نگردد. همواره باید توجه داشت که ادغام می‌تواند موجب از بین رفتن اعتماد مشتریان گردد و این ابهام را ایجاد کند که چه نقیصه‌ای وجود داشته که سبب ادغام شده است. از بین رفتن اعتماد در بازارهای رقابتی می‌تواند تهدیدی جدی علیه فعالان در این بازارها باشد؛ بنابراین، باید کوشید تا قبل از ادغام، اطلاعات لازم و مستمر در اختیار مشتریان قرار گیرد. همواره مدیران بانک‌ها طی برنامه‌های استراتژیک، ریسک‌های غیر سیستماتیک را مورد بررسی قرار می‌دهند اما نکته حائز اهمیت، مدیریت ریسک‌های سیستماتیک است. عدم توجه به این ریسک و شرایط کلان اقتصاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند نتایج برخلاف انتظار از ادغام را ایجاد کند (گروه مطالعات و پژوهش، ۱۳۹۶، صص ۸-۷).

۳- ارزیابی رویکرد قانون‌گذار ایرانی

بررسی مقررات نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد، تا پیش از تصویب قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳، مقررات خاصی در خصوص کنترل ادغام‌ها از منظر حقوق رقابت وجود نداشت (غفاری فارسانی، ۱۳۹۱، ص ۴۰۱).

بدین جهت، این قانون را باید اولین قانون مرتبط با این موضوع در نظام حقوقی ایران دانست. البته، قانون‌گذار در این قانون، تنها به درج یک ماده در این خصوص اکتفا و در این باره، صرفاً سیاست‌گذاری کرده است؛ رویکردی که در قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ نیز دنبال شده ولی در هیچ‌یک از این قوانین، نحوه دقیق ضوابط و ضمانت اجرای آن مشخص نشده است (سماواتی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۴).

بر اساس تکلیف مقرر در بند «ه» ماده ۴۱ برنامه چهارم توسعه، دولت، لایحه تسهیل رقابت را در اولین سال برنامه چهارم توسعه، تدوین نموده و به مجلس شورای اسلامی ارائه کرد (دفتر مطالعات اقتصادی، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۳). مجلس این لایحه را در قالب «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۸، تصویب و درنهایت، در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۵ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، موافق با مصالح نظام تشخیص داده شد (عطائی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵). فصل نهم این قانون، تحت عنوان «تسهیل رقابت و منع انحصار» از مواد ۴۳ تا ۸۴ به حقوق رقابت اختصاص یافته است که در پنج ماده، به‌طور صریح به بحث ادغام‌ها اشاره می‌کند. بقیه مواد، از باب عمومیت، شامل کنترل ادغام‌ها نیز می‌شود. مقررات اصلی حقوق رقابت و همچنین، کنترل ادغام از این منظر، در نظام حقوقی ایران در این قانون تبیین شده است. به‌موجب ماده ۶۲ قانون مذکور، تنها مرجع رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی در نظام حقوقی ایران، شورای رقابت بوده که مکلف است رأساً یا به‌موجب اعتراض هر شخص ذی‌نفع، در خصوص رویه‌های ضد رقابتی از جمله ادغام‌های مخل رقابت، بررسی و پژوهش لازم را به عمل آورده و در مورد آن تصمیم‌گیری کند. در نظام حقوقی ایران، برخلاف اتحادیه اروپا، با توجه به عدم شناسایی مفهوم حد نصاب‌های نظارت، تمام ادغام‌ها، حتی ادغام‌ها با حجم اندک و کوچک، مشمول مقررات کنترل ادغام هستند. در ضمن، رسیدگی به ادغام‌ها در یک مرحله اصلی و توسط یک مرجع واحد یعنی شورای رقابت، بدون آنکه در قانون، مهلتی برای رسیدگی توسط آن تعیین شده باشد، انجام می‌گیرد. در نظام حقوقی ایران، پیش از وقوع ادغام یا بعد از آن، طرفین ملزم به اعلام ادغام موردنظر به مرجع کنترل ادغام نبوده و تأیید مرجع کنترل ادغام به‌عنوان بخشی از تشریفات وقوع ادغام محسوب نمی‌شود. البته در نظام حقوقی ایران، در صورت تصویب نهایی لایحه تجارت، امکان تغییر این رویه وجود دارد. شایان ذکر است که ماده ۱۵۹۱ لایحه تجارت نیز که تاکنون با توجه به عدم تأیید نهایی توسط شورای نگهبان نهایی نشده، رعایت مقررات مخصوص در خصوص ادغام‌ها را مورد تصریح مضاعف قرار داده است (پاسبان و حکیم جواد، ۱۳۹۴، صص ۲۹۵ و ۲۹۶).

با توجه به آنچه در بندهای قبل آمد، در مقررات نظام حقوقی ایران، ضابطه ارزیابی ادغام‌های عملی، یعنی اختلال در رقابت، به شکل بسیار کلی بیان شده است؛ حال آنکه در خصوص ادغام‌های واقعی، ضابطه مشخص و ویژه ایجاد تمرکز شدید در نظر گرفته شده است. بر این اساس، بهتر بود قانون‌گذار، این ضابطه را برای ادغام‌های عملی نیز در نظر می‌گرفت و به این ترتیب، ماده ۴۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، حذف و ماده ۴۸ این قانون به گونه‌ای تنظیم می‌شد که ادغام‌های عملی را نیز شامل شود. همان‌طور که گفته شد، به‌موجب ماده ۴۸ قانون اجرای سیاست‌های کلی

۱. این ماده مقرر می‌دارد: ادغام شرکت‌ها باید با رعایت مقررات قانونی تسهیل رقابت و منع انحصار انجام شود و در مواردی که به‌موجب آیین‌نامه اجرایی این ماده مشخص می‌گردد، اخذ مجوز از شورای رقابت الزامی است. این آیین‌نامه به پیشنهاد شورای رقابت، شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

اصل ۴۴، نظام حقوقی ایران در خصوص ادغام‌های واقعی به‌منظور تجویز در مرحله وقوع ادغام، رعایت الزامات و مقررات عام راجع به فعالیت‌های ضد رقابتی را نیز ضروری دانسته است. درحالی‌که مقررات عام درباره فعالیت‌های ضد رقابتی شامل موضوعاتی نظیر توافق‌ها یا فعالیت‌ها و رویه‌های ضد رقابتی و یا سوءاستفاده از موقعیت مسلط می‌شوند، در بررسی اینکه آیا وقوع ادغام، محل رقابت است یا خیر، سالبه به انتفاء موضوع هستند (زارعی و مدنی، ۱۴۰۰، ص ۶۶).

آثار ادغام بر اشخاص ثالث^۱

در مواردی که یک بانک ورشکسته می‌شود، نحوه برخورد با سپرده‌گذاران، موضوعات متفاوتی را مطرح می‌کند که برخی از آن‌ها حقوقی و برخی دیگر، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی هستند. ناتوانی یک بانک از انجام تعهداتش، موضوعاتی را مطرح می‌کند که بسیار فراتر از سهامداران و مشتریان آن است. به‌عنوان مثال، ممکن است سایر بانک‌ها تحت تأثیر این وضعیت قرار گیرند و یک بحران سیستمی به وجود آید. نظام پرداخت‌های یک کشور ممکن است دچار اختلال شود که این امر ممکن است آثار گسترده اقتصادی داشته باشد. هنگامی که بانک ورشکسته در بیش از یک کشور اشتغال به فعالیت داشته باشد، مسئله از این هم پیچیده‌تر می‌شود. در اکثر کشورها، ورشکستگی یک بانک، حداقل تا حدودی متفاوت از ورشکستگی سایر مؤسسات تجاری تلقی می‌گردد.

اگر تلاش‌ها جهت بازسازی بانک به نتیجه نرسید، بانک یا آنچه از آن باقی مانده است، باید تصفیه شود. هدف اصلی در فرآیند تصفیه این است که دارایی‌های بانک حفظ شوند و ارزش آن‌ها به حداکثر برسد تا طلبکاران بانک (شامل سپرده‌گذاران هم می‌شود) تا حد ممکن، میزان بیشتری از طلب خود را دریافت کنند. هنگامی که یک بانک تصفیه می‌شود، احتمال اندکی وجود دارد که همه طلبکاران، تمامی مطالبات خود از بانک را دریافت کنند. در حقیقت، دارایی اندکی برای تقسیم باقی می‌ماند و طلبکارانی که مطالبات خود را با وثیقه تضمین نکرده‌اند، باید انتظار دریافت مبلغی اندک یا حتی عدم دریافت هیچ مبلغی را داشته باشند. در اینجا می‌توان بر خوردی ویژه و خاص با برخی و نه تمام طلبکاران بانک‌ها داشت. بزرگ‌ترین اشکال و مهم‌ترین چالش مطرح در موضوع ادغام بانک‌ها، تعارض ادغام با حقوق طلبکاران بانک‌ها، به‌ویژه حقوق طلبکاران بانک‌های ادغام‌شونده است چراکه غالباً ادغام‌ها بدون رضایت طلبکاران صورت می‌گیرد.

۱- آثار ادغام تحمیلی بر بستانکاران

برای آنکه مطالبات بانک به طریق قاعده‌مند و صحیح وصول شود و وجوه حاصل از این کار به نحو منصفانه‌ای میان طلبکاران توزیع شود، به‌محض اینکه بانک در معرض تصفیه قرار گیرد، توقف اتوماتیک یا تعلیق کلیه اقدامات راجع به دریافت مطالبات علیه بانک آغاز می‌گردد. این امر شامل توقف کلیه دعاوی طرح‌شده از قبل علیه بانک و نیز ممنوعیت طرح دعاوی جدید علیه بانک، به استثناء طرح دعوی با اجازه مقام ناصب (دادگاه) می‌شود و دعاوی جدید باید علیه بانک پذیرنده ادغام صورت گیرد. در ضمن، این امر باید شامل ممنوعیت اعمال یک سری حقوق قراردادی بر علیه بانک شود. البته منظور، آن دسته از حقوق قراردادی است که با قصور بانک از ایفای تعهداتش، قابل اعمال هستند (به استثناء مقررات مربوط به تجمیع مطالبات و حال شدن آن‌ها و نیز مقررات مربوط به اختیارات طلبکاران دارای حق وثیقه برای توقیف رهنه‌ای که در اختیار دارند). این اثر شامل سپرده‌ها نیز شده و مانع از دسترسی سپرده‌گذاران به سپرده‌های خود می‌گردد.

۱. منظور، طلبکاران و بدهکاران است.

برای درک بهتر این موضوع باید قائل به تفکیک شد. ابتدا، تأثیر ادغام تحمیلی بر بستانکاران بانک پذیرنده ادغام و سپس آثار ادغام تحمیلی بر بستانکاران بانک ادغام‌شونده بررسی می‌شود. از آنجا که ادغام تأثیری در وضعیت حقوقی طلبکاران بانک پذیرنده ادغام ندارد، آثار ادغام تحمیلی را بر طلبکاران بانک ادغام‌شونده مورد بررسی قرار می‌دهیم. جایی که مشخص می‌شود یک بانک ورشکسته شده است، لازم است مقامات نظارتی به سرعت وارد عمل شوند. برای انجام چنین کاری لازم است بلافاصله یک نفر به‌عنوان حافظ اموال بانک منصوب شود. این حافظ اموال، تنها برای یک دوره نسبتاً کوتاه منصوب می‌شود و عمده‌ترین وظیفه او نیز حمایت از اموال بانک است. مدت کوتاهی پس از شروع فرایند تصفیه، اداره تصفیه باید طلبکاران را دعوت نماید تا مطالبات خود را علیه بانک ثبت نمایند. بدین منظور، باید یک آگهی به‌گونه‌ای منتشر شود که به اطلاع بیشترین افرادی که ممکن است با بانک رابطه داشته باشند، برسد. هدف از قرار دادن مهلت این است که به اداره تصفیه امکان داده شود میزان کامل تعهدات بانک در مقابل سایر اشخاص را معین کند، حساب‌های بانک را نهایی نماید و محاسبه کند که چه میزانی از هر ادعا قابل پرداخت است. البته بخش مهمی از مطالبات، از دفاتر خود بانک، قابل استخراج است. اداره تصفیه باید هم میزان و هم اعتبار هر ادعای طلبی را مشخص نماید. طول دوره‌ای که طی آن، مطالبات می‌توانند مطرح شوند، دو ماه است. هنگامی که مطالبات تأیید شدند، اداره تصفیه باید مطالبات طلبکاران، از جمله سپرده‌گذاران بانک را پردازد. برای این کار باید عواید حاصل از دریافت مطالبات را به نسبت مطالبات طلبکاران و تقدم و تأخری که هر یک از مطالبات بر دیگری دارد، پرداخت نماید. شایان ذکر است که بانک پذیرنده ادغام به قائم‌مقامی از بانک ادغام‌شونده، مطالبات طلبکاران و سپرده‌گذاران را می‌پردازد. لازم به یادآوری است که با فرض اینکه ماهیت انتقال دیون، قائم‌مقامی قانونی، آن هم از نوع عام آن باشد، دیگر نیاز به رضایت طلبکاران در مورد ادغام بانک ادغام‌شونده نخواهد بود.

با توجه به این مطلب که ادغام بانک‌ها غالباً سبب تقویت مدیریت شرکت، افزایش کمی و کیفی محصولات، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش کارایی و بهره‌وری، افزایش ارزش سهام، بقای شرکت و جلوگیری از ورشکستگی آن، کسب دانش فنی بانک رقیب، کاهش دست واسطه‌ها و دلالتان، استفاده از امکانات و فناوری سایر شرکت‌ها، بازاریابی و صرفه‌جویی در زمان، وجود مزایای مالیاتی، حذف مشاغل اضافی و موازی و غیره می‌شود (بوکانی، ۱۳۹۰) و از طرف دیگر، ارزش هر طلب، وابسته به دارایی و اعتبار مالی مدیون است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که ادغام بانک‌ها، در اکثر قریب به اتفاق موارد، سبب افزایش سرمایه و اعتبار مالی بانک‌ها خواهد شد. لذا با ادغام بانک‌ها، نه تنها هیچ خللی به حقوق طلبکاران بانک پذیرنده ادغام وارد نمی‌شود بلکه یک پشتوانه محکم برای طلب آن‌ها خواهد بود. با وجود مطالب فوق به نظر می‌رسد که در عمل، همواره وضع چنین نیست و پیشنهاد می‌شود که برای طلبکاران بانک پذیرنده ادغام نیز حق اعتراضی قائل شوند.

طلبکاران بانک ادغام‌شونده می‌توانند طلبکاران با وثیقه، طلبکاران بی‌وثیقه و یا طلبکاران ممتاز باشند. قانون‌گذار در بند (د) ماده ۴۱ قانون پولی و بانکی مشخص کرده است که با توجه به وضعیت خاص سپرده‌گذاران یک بانک، نوعی طبقه‌بندی در مطالبات طلبکاران یک بانک صورت گرفته است. به‌موجب این بند: «... استرداد سپرده‌های پس‌انداز یا سپرده‌های مشابه تا میزان ۵۰ هزار ریال در درجه اول و سپرده‌های حساب جاری و سپرده‌های ثابت تا همان مبلغ در درجه دوم بر کلیه تعهدات دیگر بانک‌های منحل‌شده یا ورشکسته و سایر حقوق ممتاز، مقدم است...». چنین تمهیدی برای طبقه‌بندی طلبکاران در قانون اداره تصفیه نیز مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. به‌موجب ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه، بستانکارانی که دارای وثیقه هستند، نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش، مقدم بر سایر بستانکاران قرار داده می‌شوند. از طرفی، به‌موجب ماده ۷۸۰ قانون مدنی نیز مرتهن بر هر طلبکار دیگر جهت استیفای طلب خود از قیمت رهن رجحان دارد. با این حال، مواد مورد اشاره در خصوص آن قسم از اموال تاجر است که می‌بایست

جهت پرداخت طلب طلبکاران به فروش برسد درحالی که حکم مقرر در بند (د) ماده ۴۱ قانون پولی و بانکی کشور در مورد موجودی حساب‌های سپرده پس‌انداز یا سپرده‌های مشابه و سپرده‌های حساب جاری و سپرده‌های ثابت است. لذا، بدیهی است که تقدم حقوق طلبکاران مرتبه‌ها جهت وصول مطالبات در خصوص این حساب‌ها قابل اعمال نیست؛ بنابراین، بند (د) ماده ۴۱ قانون پولی، تمهید خاصی است که می‌بایست منفک از طبقه‌بندی مورد نظر طلبکاران به موجب قانون اداره تصفیه مورد توجه قرار گیرد؛ بدین معنا که سپرده‌گذاران یک بانک ورشکسته، اگرچه جزء طلبکاران با حق وثیقه یا طلبکاران با حق رجحان (موضوع ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه) محسوب نمی‌شوند اما طلبکار عادی نیز محسوب نمی‌شوند چرا که قانون‌گذار، حکم خاصی را در خصوص آن‌ها مقرر داشته و حقوق آن‌ها بدین جهت جزء حقوق ممتاز محسوب می‌شود.

بر اساس ماده ۹۵ قانون برنامه پنجم توسعه، بانک مرکزی اجازه یافته تا به منظور تضمین بازپرداخت وجوه متعلق به سپرده‌گذاران بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری، نسبت به ایجاد صندوق ضمانت سپرده‌ها اقدام نماید. بر اساس بند (ح) ماده (۵) اساسنامه صندوق، پس از اعلام کمیته اضطرار، بازپرداخت سپرده‌های ضمانت شده صورت می‌پذیرد و بانک مرکزی این وجوه را در اختیار بانک پذیرنده ادغام می‌گذارد تا بانک پذیرنده ادغام با فروش دارایی‌های بانک ادغام‌شونده و این وجوه، سپرده‌های سپرده‌گذاران را بپردازد. سپرده‌گذاران، معمولاً جزء دسته طلبکاران فاقد وثیقه قرار می‌گیرند اما سپرده‌گذاران نسبت به طلبکاران عادی فاقد وثیقه در مرتبه بالاتری قرار می‌گیرند. با پرداخت سپرده‌های ضمانت‌شده، صندوق جزء بستانکاران مؤسسه اعتباری ذی‌ربط قرار می‌گیرد. در تبصره ذیل ماده ۵ این اساسنامه آمده است: «... بانک مرکزی در صورت عدم تکاپوی منابع صندوق جهت ایفای تعهدات می‌تواند پس از تأیید هیئت عامل بانک مرکزی و تصویب هیئت وزیران، بخشی از منابع مالی صندوق را به صورت تسهیلات تأمین نماید. این امر به منظور کاستن از مشکلات سپرده‌گذاران خرد و نیز برای کم نشدن اعتماد عمومی به نظام بانکی ضرورت دارد...». لازم به ذکر است که به موجب ماده ۳۳ قانون بانکی و پولی کشور مصوب ۱۳۳۹: «... در موارد توقف یا ورشکستگی بدهکاران، موجودی حساب آن‌ها نزد بانک مرکزی در درجه اول به مصرف واریز بدهی‌های آن‌ها به بانک مرکزی خواهد رسید. مطابق این ماده، نظر به اولویت وصول مطالبات بانک مرکزی، مطالبات این بانک از بدهکاران ممتاز بوده و وصول آن مقدم بر سایر مطالبات است. طلبکاران با وثیقه نیز طلبکارانی هستند که برای تضمین طلب خود از بانک، اموالی از بانک را به صورت رهن، حبس و غیره در اختیار دارند. طلبکاران با وثیقه می‌توانند طلب خود را از طریق فروش وثایق مربوطه دریافت نمایند. چنانچه حاصل فروش وثایق برای پرداخت تمامی طلب آن‌ها کفایت نکند، بانک پذیرنده ادغام می‌تواند برای بقیه طلبشان با آن‌ها همانند طلبکاران بدون وثیقه رفتار نماید...».

«... به موجب ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه، بستانکاران دارای وثیقه نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش، مقدم بر سایر بستانکاران قرار داده می‌شوند...». «... از طرفی، به موجب ماده ۷۸۰ قانون مدنی نیز مرتبه هر طلبکار دیگر جهت استیفای طلب خود از قیمت رهن رجحان دارد. طلبکاران بدون وثیقه به اشخاصی گفته می‌شود که برای تضمین طلب خود از بانک، اموالی از بانک را به صورت رهن، حق حبس و غیره در اختیار ندارند. با توجه به اینکه بر اساس ماده ۲۰ قانون لایحه اداره امور بانک‌ها، بانک پذیرنده ادغام از هر جهت قائم مقام بانک‌های ادغام‌شده است، طلبکاران برای گرفتن طلب خود به همراه مدارک مطالبات خود به بانک پذیرنده ادغام مراجعه می‌کنند تا طلب آن‌ها محرز گردد. بدین ترتیب، ابتدا طلب سپرده‌گذاران بند (د) ماده ۴۱ قانون پولی و بانکی پرداخت می‌شود و بعد از آن، پرداخت طلبکاران با وثیقه و سپس پرداخت طلبکاران عادی، انجام می‌شود...».

به هر حال، به نظر می‌رسد که به‌طور کلی، اعطای حق اعتراض به طلبکاران یا افراد ذی‌نفع در امر ادغام، در کنار مقررات مبتنی بر قائم‌مقامی عام بانک پذیرنده ادغام، باعث می‌شود بین حقوق متعارض و اصول حاکم بر مقررات تجاری جمع شود.

۲- آثار ادغام تحمیلی بر بدهکاران

سوالی که ذیل این عنوان مطرح می‌شود، آن است که آیا رضایت بدهکاران برای انتقال طلب از بانک ادغام‌شونده به بانک پذیرنده ادغام، ضروری است؟ در انتقال طلب، انتقال‌گیرنده از هر حیث جانشین انتقال‌دهنده می‌شود و از همان مزایا برخوردار است. پس مالک جدید طلب، مانند دست‌پیشین خود می‌تواند آن را با همان شرایط از مدیون مطالبه کند، در اجرای حق از تضمین‌های طلب سود برد و در برابر دیگران به آن استناد نماید. از سوی دیگر، او نمی‌تواند بیش از آنچه انتقال گرفته است، ادعا کند یا دفاعی را که مدیون می‌توانست در برابر انتقال‌دهنده داشته باشد، متوجه خود نداند. با توجه به آنکه قرارداد انتقال طلب، میان طلبکار و انتقال‌گیرنده واقع می‌شود و مدیون در انعقاد آن نقشی ندارد و نیز مستند به بند ۳ ماده ۲۹۲ قانون مدنی می‌توان گفت: «... که رضایت بدهکار در انتقال طلب از طلبکار (بانک ادغام‌شونده) به ثالث (بانک پذیرنده ادغام) معتبر و لازم نیست و بانک اخیر، از هر جهت قائم‌مقام بانک ادغام‌شونده (طلبکار سابق) می‌شود. در انتقال طلب، مدیون نقشی ندارد و چهره انفعالی به خود می‌گیرد؛ یعنی رضایت او شرط نیست...» (بوکانی، ۱۳۹۰). در تأیید این نظر می‌توان به نظر مشهور در فقه امامیه آن است که رضایت مدیون در عقد حواله لازم نیست زیرا محال‌علیه در هر حال باید دین خود را پردازد، چه به محیل، چه به نائب او لازم نیست. همان‌طور که اگر «من علیه الحق» (محتال)؛ بنابراین، رضایت محیل (طلبکار سابق)، محتال (طلبکار جدید) را وکیل خود در قبض مال یا دین قرار می‌داد و رضایت محال‌علیه شرط نبود. به عبارت دیگر، مدیون فقط حامل حق است؛ قبلاً باید بدهی خود را به طلبکار سابق می‌داد و این بار باید آن را به مالک جدید طلب بدهد (عاملی، ترجمه نصراللهی و محمدی، ۱۳۸۴: ۲۱۶).

با ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، حقوق، تعهدات، دیون و مطالبات بانک ادغام‌شونده نیز به بانک پذیرنده ادغام انتقال می‌یابد که از جمله این‌ها، طلب‌های بانک ادغام‌شونده از اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط است. همان‌طور که گفته شد، بر اساس ماده ۲۰ لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها: «... بانک پذیرنده ادغام از هر جهت قائم‌مقام بانک ادغام‌شونده است و کلیه دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌های ادغام‌شده در یک گروه، جزء دارایی و بدهی مشترک بانک مزبور محسوب می‌شود...». همچنین، حسب ماده ۱۰۵ قانون توسعه، کلیه حقوق و تعهدات، دارایی: «... دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می‌شود...». در نتیجه، بانک پذیرنده ادغام قائم‌مقام بانک ادغام‌شونده است و تعهدات بانک ادغام‌شونده، چه از جنبه مثبت و چه از جنبه منفی، به بانک پذیرنده ادغام منتقل می‌گردد؛ به این نحو که همان طلب اصلی و پایه مؤسسه یا بانک ادغام‌شونده با تمام خصوصیات و ویژگی‌های خود انتقال می‌یابد. به عبارت دیگر، رابطه حقوقی و قانونی بین بدهکار و بانک پذیرنده ادغام برقرار می‌شود و بدهکاران با بانک پذیرنده ادغام روبه‌رو می‌شوند و ملزم به پرداخت دیون خود با بقای اصل بدهی به همراه تمامی صفات، ممتازات، وثایق و توابع آن به بانک پذیرنده ادغام هستند به گونه‌ای که بانک پذیرنده ادغام، قائم‌مقام بانک ادغام‌شونده می‌گردد؛ بنابراین، باید گفت که کلیه حقوق و تعهدات مؤسسه یا بانک ادغام‌شونده با تمامی اوصاف، ویژگی‌ها و تضمینات خویش به بانک پذیرنده ادغام انتقال می‌یابد. بررسی اثر ادغام تحمیلی بر بدهکاران بانک پذیرنده ادغام (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی)، بسیار ساده‌تر از مورد قبل است چراکه در این مورد، نه طلبکار تغییر کرده است، نه بدهکار و نه حتی دین بین آن‌ها. لذا، چون هیچ تغییری در روابط دو طرف دین یا خود دین ایجاد نشده است،

باید گفت که ادغام بانک‌ها، هیچ تأثیری بر روابط حقوقی بدهکاران با بانک پذیرنده ادغام ندارد. پس ادغام تحمیلی، هیچ تأثیری بر تعهدات بدهکاران شرکت پذیرنده ادغام نیز ندارد زیرا با چنین عقدی، نه طرفین دین (طلبکار و بدهکار) و نه خود دین، هیچ تغییری نمی‌کنند.

نتیجه‌گیری

در خصوص آثار ادغام بر طلبکاران بانک ادغام‌شونده باید گفت که بستانکاران می‌توانند طلبکاران با وثیقه، طلبکاران بی‌وثیقه و یا طلبکاران ممتاز باشند. استرداد سپرده‌های پس‌انداز یا سپرده‌های مشابه تا میزان ۵۰ هزار ریال در درجه اول و سپرده‌های حساب جاری و سپرده‌های ثابت تا همان مبلغ در درجه دوم بر کلیه تعهدات دیگر بانک‌های منحل‌شده یا ورشکسته و سایر حقوق ممتاز، مقدم است. سهامداران را جزء طلبکاران بانک در این پژوهش به حساب نیاوردیم زیرا در فرض ادغام تحمیلی آن‌ها در مجمع عمومی فوق‌العاده موافقت کرده‌اند. در نتیجه، ریسک‌های موضوع را پذیرفته‌اند و خود را آماده چنین شرایطی دیده‌اند. سهامداران از بانک به وجود آمده سهم دریافت می‌کنند و در ادغام یک‌جانبه نیز بانک پذیرنده ادغام با افزایش سرمایه، به سهامداران بانک ادغام‌شونده سهم می‌دهند. سهم سهامدار مخالف ادغام نیز در صورت اعتراض باید خریداری شود. تأثیر ادغام تحمیلی بر بدهکاران بانک پذیرنده، ملزم نمودن آن‌ها به پرداخت دیون خود با بقای اصل بدهی به همراه تمامی صفات، ممیزات، وثایق و توابع آن به بانک پذیرنده ادغام است به گونه‌ای که بانک پذیرنده ادغام، قائم‌مقام بانک ادغام‌شونده می‌گردد؛ بنابراین، باید گفت که کلیه حقوق و تعهدات مؤسسه یا بانک ادغام‌شونده با تمامی اوصاف، ویژگی‌ها و تضمینات خویش به بانک پذیرنده ادغام انتقال می‌یابد. برای ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی، علاوه بر رعایت مقررات قانون تجارت باید به انگیزه‌های ادغام، وجود شرایط لازم برای ادغام و آثاری که ممکن است از ادغام در کف جامعه ایجاد گردد، توجه شده و مراجع صالح بر روند ادغام در این زمینه‌ها نظارت کنند. اگر ادغام بانک‌ها و مؤسسات اقتصادی با هدف قبضه کردن بازار یا خارج کردن رقیب از صحنه باشد، باعث ایجاد انحصار می‌گردد.

منابع

- احمدیان، اعظم. (۱۳۹۷). آیا ادغام بانک‌ها باعث بهبود شفافیت اطلاعات می‌شود؟. خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، بازدید در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۲۰.
- بانک مرکزی. (۱۳۹۵). اطلاعیه شماره ۹ بانک مرکزی، بیش از ۹۰ درصد حساب‌های تعاونی اعتبار ثامن الحجج، تعیین تکلیف شد، تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۴/۳، <http://www.cbi.ir/showitem/14866.aspx>
- بوکانی رشوند، مهدی. (۱۳۹۰). حقوق رقابت در فقه امامیه حقوق ایران و اتحادیه اروپا. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- پاسبان، محمدرضا. (۱۳۹۴). حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- جعفری صامت، امیر. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی آثار ادغام شرکت‌های تجاری در حقوق ایران و انگلستان. دوفصلنامه حقوق خصوصی عدالت، ۳(۶)، ۴۹-۷۱.
- حسینی، سید فتاح. (۱۳۹۴). ادغام شرکت‌های تجاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.
- دفتر مطالعات اقتصادی، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی. (۱۳۸۴). لایحه قانون رقابت، مبانی نظری و تجربه کشورها. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- روستایی، محبوبه. (۱۳۹۶). تأثیر ادغام بانکی بر اندازه رقابت در بازار متشکل پولی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

زارعی، محسن و مدنی، مهسا. (۱۴۰۰). بررسی چالش‌ها و تحلیل حقوقی ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در ایران، هشتمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری و توسعه اقتصادی.

سایت پژوهشکده پولی و بانکی

سماواتی، حشمت‌الله. (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر حقوق رقابت تجاری و نقش آن در سیاست‌گذاری تنظیم بازار. تهران: انتشارات فردوسی.

شیروی، عبدالحسین و باباپور، محمد. (۱۳۹۰). حسن نیت در توافقات عمودی. مجله حقوقی دادگستری، ۷۵(۷۵)، ۹-۳۶.

طباطبائی نژاد، سید محمد. (۱۳۹۴). کاستی‌های نظام ورشکستگی بانک‌ها در ایران. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۴۵(۱)، ۱۱۳-۱۲۶.

عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی). (۱۳۸۴). *الروضه البهیه فی شرح المععه الدمشقیه*. تصحیح و اعراب: مصطفی نصراللهی و ابراهیم محمدی، قم: ارغوان دانش.

عرفانی، محمود و جعفری، امین. (۱۳۹۴). حقوق بانکی تطبیقی. جلد دهم، تهران: نشر جنگل (جاودانه).

عطائی، امید. (۱۳۸۹). مروری بر روند تهیه و تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی. تهران: نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

غفاری فارسانی، بهنام. (۱۳۹۱). ضمانت اجراهای مدنی نقض قواعد حقوق رقابت. رساله دکتری، دانشگاه تهران.

غلامی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). ادغام شرکت‌های تجاری در حقوق ایران با تأکید بر حقوق رقابت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

کنگرانی فراهانی، زهرا سادات. (۱۳۹۷). بررسی حقوقی و اقتصادی ادغام بانک‌ها و مؤسسات اقتصادی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

گروه مطالعات و پژوهش. (۱۳۹۶). گزارشی از تجربه ادغام بانک‌ها در ایران و جهان. تهران: کانون بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی.

گنجی سرشکی، امید. (۱۳۹۵). جنبه‌های حقوقی ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

گودرز پور، شاهرخ. (۱۳۹۶). ادغام شرکت‌های تجاری در حقوق ایران و فرانسه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

مسعودی، علیرضا. (۱۳۹۳). حقوق بانکی. چاپ دوم، تهران: انتشارات پیشبرد.

معتضد، عرفان. (۱۴۰۰). بررسی دلایل، مزایا و معایب ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی. یازدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، امور مالی، تجارت، بانک، اقتصاد و حسابداری، تهران.

ملک، هادی. (۱۴۰۱). بررسی حقوقی انحصار امور مالی ناشی از ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی. مجله قانون یار، ۶(۲۱)، ۲۵۳-۲۷۲.

ویلیام، اچ برنسون. (۱۳۸۶). *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*. ترجمه عباس شاکری، تهران: نشر نی.

همتی، عبدالناصر. (۱۳۸۷). نقش مؤسسات مالی و اعتباری در اقتصاد. مجله دنیای اقتصاد، ۱۴۸۶.

هوشمند، مهدی و رنجبری، جهان. (۱۴۰۰). علت ادغام بانک‌های نظامی در بانک سپه و تأثیر آن بر اقتصاد کشور، چهارمین کنفرانس بین‌المللی سالانه تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران.

استناد به این مقاله: اسلامی، زینب، مخترع، آیدا و رستگاری بهنام. (۱۴۰۲). آثار حقوقی ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در قبال شخص ثالث و مسئولیت مدنی ناشی از آن. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۳(۳)، ۶۲-۷۸.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.